

## سیاهان امریکا؛ از بردگی تا زعامت محمد اکرام اندیشمند



### بارک حسین اوباما در لحظات پس از پیروزی در انتخابات

### اوباما در آغوش مادرش

تاریخ زندگی سیاه پوستان افریقایی تبار ایالات متحده امریکا با بردگی و ذلت آغاز می شود و با تبعیض و عذاب ادامه میابد. داستان زندگی سیاهان در امریکا، داستان رنج و مرارت نسل های متوالی آدم هایی است که تنها حرم شان رنگینی پوست بدنشان است؛ گناهی که خود در آن نقشی نداشته اند. داستان حیات سیاهان امریکا، داستان مبارزه و مقاومت است. مبارزه و مقاومتی که زنجیر بردگی و ذلت را از گردن سیاهان درهم شکست و آنها را به آزادی و اکنون به زعامت ایالات متحده امریکارساند.

پیروزی بارک حسین اوباما سیاه پوست افریقایی تبار در انتخابات دبروز (4 نومبر 2008) ریاست جمهوری ایالات متحده امریکا، صعود نمادین نسل به زنجیر بسته شده ی سیاهان به زعامت است. به زعامت در جامعه و سرزمینی که در سالهای نه چندان دور پیشین مرزها آدم هایش با رنگ سیاه و سفید از هم جدا می شد. انسان هایش به دورنگ سیاه و سفید تقسیم شده بودند. سفیدها ارباب بودند و سیاهان رعیت. سفیدها حاکم بودند و سیاهان محکوم. سفیدها، آزاد بودند و سیاهان اسیر. سفیدها ظالم بودند و سیاهان مظلوم. سفیدها بیداد و تبعیض را امید داشتند و سیاهان آزادی و عدالت می خواستند. . . .

بدون تردید رفتن اوباما به قصر سفید و اشنگتن سیاست سلطه جویی و زورگویی امریکا را در جهان چندان تغییر نخواهد داد و نظام سیاسی و اقتصادی کپیتالیزم امریکایی را بسوی سوسیالیزم نخواهد برد. به همان حد این پیروزی نخواهد توانست تا یک شبه همه معضلات اجتماعی سیاهان امریکارا که هنوز میلیونها نفرشان در فقر و نابرابری اجتماعی به سر میبرند، حل کند. اما حضور اوباما سیاه پوست در قصر حاکمیت سفیدپوستان امریکامی تواند پیروزی مبارزه و مقاومت سیاهان را در راه آزادی و عدالت بگونه ی نمادین به نمایش بگذارد و رویای ماترولوترکینگ رهبر مبارز ساهان را در راه حقوق مدنی آنها به حقیقت مبدل سازد.

رویای که وی کمتر از نیم قرن پیش (1963) از آن سخن گفت: "رویای من این است که روزی چهار فرزند خردسال من در کشوری زندگی کنند که نه با رنگ پوست شان بل با شخصیت شان داوری شوند."

هرچند نفع حضور اوامای سیاه پوست در قصر حاکمان سفید پوست امریکایی قبل از همه به نظام سرمایه داری امریکا و دموکراسی امریکایی می رسد. نظامی که از وقار و اعتبار آن در سالهای اخیر حاکمیت حزب جمهوری خواهان به رهبری جورج بوش در انظار جهان به شدت کاسته شده بود. با حضور اوامای در قصر سفید کم از کم در کوتاه مدت تصویر نوبه تری از نظام امریکایی در جهان ایجاد خواهد شد و به افزایش وجهه ی خدشه دار شده ی امریکا خواهد انجامید.

اوامای در اعلان نخستین نتیجه ی انتخابات در روستای کوچک "دیکسویل ناچ" واقع در نیوهمپشایر با کسب 15 رأی در مقابل 6 رأی جان مک کین رقیبش در نخستین ساعات انتخابات گام بسوی پیروزی نهاد. و سپس پیروزی او در ساعات اولیه ی شمارش آراء مسجل گردید. جان مک کین رقیب اوامای از حزب جمهوری خواهان شکست خود و پیروزی اوامای را در انتخابات پذیرفت و در نیمه شب گذشته به اوامای تبریک گفت. مک کین اوامای را تحسین کرد و گفت که در دل ملیونها امریکایی بذرامید راکاشت. او اظهار داشت: "من افتخار می کنم که به سناتور بارک اوامای تلفون کردم و پیروزی را برایش تبریک گفتم. به او از مرگ مادر بزرگش تسلیت می گویم. من شکست در انتخابات را می پذیرم و بسیار طبیعی است که احساس ناراحتی کنیم در این شب. اما ما باید از این شکست بگذریم و مملکت را پیش ببریم. من در آینده افسوس گذشته را نخواهم خورد."

واما چه چیزی بارک اوامای را به پیروزی رساند؟ شاید بتوان گفت که اوامای یگانه رئیس جمهور منحصربه فردی است که اغلباً با استعداد و قابلیت های شخصی اش راه های دشوار مسیر پیروزی را طی کرد. اوامای قدرت و توان فوق العاده ی خود را در بسیج مردم بکاربرد. او از نیروی مردم به حد وسیع استفاده کرد. اوامای نشان داد که در میدان سیاست و مبارزات سیاسی شخصیت فوق العاده متین، با وقار، خون سرد و پایداری است. او در مبارزات انتخاباتی اش به جمهوری خواهان حمله نمی کرد و پیوسته می گفت از افراد خوب آنها در مدیریت و رهبری کشور امریکا بهره گیری خواهد کرد. اوامای توأم با ویژگی های شخصیتی پیام خود را مطرح کرد؛ پیام دگر دیسی و تحول در جامعه ی امریکا. پیام تغیر از سوی اوامای جوان برای نسل جوان جامعه ی امریکا که در زیر سایه ی حاکمیت یک نواخت چهره های یکنواخت خسته و کسل شده بودند، برانگیزنده و پرجاذبه بود.

واما پیروزی اوامای در انتخابات ریاست جمهوری امریکا برای افغانستان چه پیام و ارمغانی خواهد داشت؟ برای بسیاری از تحلیلگران و سیاستمداران داخلی و خارجی نقش و اهمیت اوامای در جنگ و بی ثباتی افغانستان مایه ی دلچسپی و بررسی است که سیاست امریکا در رهبری اوامای در این جنگ چگونه تدوین و تطبیق می شود. صرف نظر از بحث بر سر این نقش، نکته ی قابل پرسش این است که آیا پیروزی اوامای سیاه پوست متعلق به اقلیت تباری و مورد غضب تاریخی سفید پوستان حاکم امریکایی که در نظام دموکراسی امریکا محقق گردید، تأثیری بر اندیشه و ذهنیت جامعه ی قبیله پی ما و تفکر سیاسی سیاستمداران ما وارد خواهد کرد؟ اگر دموکراسی امریکا این فرصت را به اوامای سیاه پوست افریقایی تبار و متعلق به جامعه پانزده درصدی اقلیت سیاه پوستان امریکایی مساعد نمود تا به

زعامت کشور آمریکا برسد، آیا دموکراسی مورد حمایت آمریکا در افغانستان ذهنیت  
قبیله ای سیاستمداران و زمام داران ماراتغیر خواهد داد؟ تغییری که اندیشه ها  
و افکار سیاسی را از تعصب و تبعیض قومی و زبانی بسوی واقع نگری و عدالت خواهی  
ببرد. تغییری که تصویر برداشت آنها را از دموکراسی قبیله یی به دموکراسی  
شهروندی برساند. تغییری که ذهنیت و افکار اجتماعی و سیاسی جامعه ی ما را در  
دسترسی یک هزاره ی دایکندی، یک ازبک و ترکمن اندخوی و یک بلوچ نیمروزی به  
مقام زعامت و رهبری دولت افغانستان در کرسی ریاست جمهوری قانع و آماده  
بسازد؟